

بازتاب گسترده سفر پوتین به ایران

صفحه ۲

چهارشنبه ۴ آذر ۱۳۹۴ | ۱۳ مهر ۱۴۳۷ | ۲۵ نوامبر ۲۰۱۵ | سال هشتم | شماره ۱۷۵۸ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

سال دولت‌ملت، همدلی و هم‌زبانی

VATAN-E-EMROOZ | Vol.08 | No.1758 | Wed.Nov.25, 2015 | ISSN:2008-2886



ناتوانی در ساماندهی نرخ سود بانکی

صفحه ۱۶

یادداشت امروز

«الیگارش‌های ملی» و رسالت‌های تاریخی

دکتر حمیدرضا اسماعیلی

سراسر زندگی انسان، پر از چالش‌ها و بحران‌های میان واقعیت‌ها و مطلوب‌هاست. یکی از این چالش‌ها میان جامعه بی‌طبقه و غیرالیگارشیک با جامعه طبقاتی و الیگارشیک است. اگرچه در فلسفه سیاسی و آرمانی، نبودن الیگارش‌ی و طبقه ممتاز یک مطلوب و آرزوست اما واقعیت‌های زندگی بشر در طول تاریخ نشان داده چنین جامعه‌ای هیچ‌گاه در طول تاریخ وجود نداشته است. وجود الیگارش‌ی در هر جامعه‌ای یک جبر تاریخی است که بدون درک این واقعیت تلاش‌های بشر نتایج مطلوبی به بار نیاورده است. شاید در دوره‌هایی بر اثر انقلاب طبقه ممتاز پیشین از بین برود اما به سرعت الیگارش‌ی جدیدی شکل خواهد گرفت که جای آن را پر خواهد کرد. قاعده سیاست و زندگی اجتماعی چنین بوده است. چنانچه آرمان‌گرایان بدون توجه به این واقعیت دست به اقدام بزنند نه تنها نتایج مطلوبی به دست نخواهد آمد بلکه ممکن است نتایج مخربی هم به‌وجود آورد.

در حقیقت مرز فلسفه سیاسی و اندیشه سیاسی از همین جا و از درک شفاف واقعیت‌ها و آرمان‌ها شکل می‌گیرد. ما در فلسفه سیاسی، جامعه آرمانی را جامعه عدالت‌محوری که در آن طبقه ممتاز وجود ندارد ترسیم می‌کنیم و برای تبیین یا تحصیل آن، یک نظام فلسفی ارائه می‌کنیم. اما در اندیشه سیاسی بدون این تفلسف‌ها در پی آنیم که چگونه مبتنی بر واقعیت‌ها جامعه بهتر و مطلوب‌تری بسازیم. از این جهت اندیشه سیاسی بر فلسفه سیاسی شرافت دارد که بدون رؤیایرادی‌های گاه مخرب رهنمودهای جدی‌تر و عملی‌تری را به ما معرفی می‌کند. امروز می‌دانیم که گاه این فلسفه‌های ایدئالیستی حتی آثار مخرب نیز داشته‌اند، زیرا با رؤیایرادی‌های افراطی جنبش‌ها را به شکست،

افسردگی و یأس کشانده‌اند. هدف‌های کوچک اما دست‌نیافتنی و ملموس به مراتب از اهداف بزرگ و دست‌نیافتنی بهتر و مفیدتر هستند. در این یادداشت چرخش جامعه امروز از فلسفه سیاسی به اندیشه سیاسی یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر تلقی شده است. آنچه یک نظریه سیاسی یا نظام فکری را به شکست می‌کشاند این است که نتواند میان «هست‌ها» و «دوست دارم»ها تفاوت بگذارد. یعنی آنچه دوست دارد را «هست» بینگارد و از این جهت دچار خودفریبی شود.

در مساله متن حاضر، الیگارش‌ی هست و خواهد بود؛ چه با آن موافق باشیم و چه مخالف. براساس همین نگرش، به جای آنکه شعار ضدیت با الیگارش‌ی و حذف آن داده شود، بهتر است تلاش شود با توجه به تجربه بشری به اندیشه‌هایی پرداخته شود که می‌توانند نظام الیگارشیک را اصلاح کنند. با توجه به این مفروضات بسود که در متن حاضر از مفهوم «الیگارش‌ی ملی» سخن گفته شده است. در واقع مساله امروز ایران این نیست که: آیا الیگارش‌ی نوبنی در کشور شکل گرفته است؟ حتی دیگر این پرسش اولویت ندارد که چرا و چگونه این طبقه ممتاز شکل گرفت.

پرسش مهم این است که آیا الیگارش‌ی امروز ایران در جهت منافع ملی و عموم ایرانیان حرکت می‌کند یا آنکه به جای نگاه ملی به موضوعات، تنها نگاه شخصی و خاندان‌سالارانه به قدرت دارد؟ آیا ساختارهای حاکم بر جامعه ایران الیگارش‌ی ملی می‌زاید یا آنکه تنها به رقابت فرساینده میان خاندان‌های قدرت می‌انجامد؟ «الیگارش‌ی ملی» نخستین ویژگی‌اش این است که وابسته به قدرت‌ها و دولت‌های خارجی نیست و بودن و نبودن خود را در پیوند با آنها نمی‌داند. «الیگارش‌ی ملی» نقطه مقابل کیمپرادورهایی است که سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی داخلی‌شان را به کشورهای متروپل منتقل می‌کنند. «الیگارش‌ی ملی» به جای آنکه از طریق دلالت‌ها و رانت‌های ویژه به سرمایه‌های هنگفت رسیده باشد از طریق فعالیت‌های اقتصادی مولد سرمایه‌دار می‌شود.

«الیگارش‌ی ملی» نه تنها مالیات خود را می‌پردازد و از پرداخت آن به انتهای مختلف نمی‌گریزد بلکه فراتر از آن در بخش‌های مختلف آموزشی و پژوهشی کشور سرمایه‌گذاری می‌کند. ادامه در صفحه ۵

کرملین ساقط کردن جنگنده روسی توسط آنکارا بر فراز سوریه را «حادثه‌ای بسیار خطرناک» خواند

بازی ترکیه با آتش

پوتین: در مقابل این جنایت کوتاه نخواهیم آمد

صفحه ۱۵



سوخوی روسی تاوان چه چیز را پس داد؟

علی بخشایش

روزنه

پیش از ظهر دیروز سه‌شنبه ۲۴ نوامبر/ ۳ آذر، ناگهان خبری روی خروچی رسانه‌های بین‌المللی قرار گرفت که بیش از هر چیز تعجب‌برانگیز بود. ترکیه، یک فروند جنگنده سوخو ۲۴ روسیه را در نقطه مرزی بین ترکیه و سوریه هدف قرار داد. عکس‌ها و فیلم‌های کاملاً واضحی، هم از سقوط این جنگنده منتشر شد و هم از فرار خلبانان آن با چتر نجات. از حدود ۲ ماه پیش که روس‌ها رسماً حملات هوایی خود را در سوریه آغاز کردند، تنش‌هایی بین ترکیه و روسیه به وجود آمده بود. ترک‌ها یکبار دیگر نیز ادعا کرده بودند حریم هوایی آنها توسط جنگنده‌های روسی نقض شده است. پرواز جنگنده‌ها بر فراز منطقه مرزی بین ترکیه و روسیه، به‌عنوان یکی از مناطقی که داعش در گذشته فعالیت‌هایی در آن داشته و امروز نیز کم و بیش دارد، امر غربی نبود. حضور جنگنده‌های روسی در این فضا برای ترکیه که مدعی است با جنگنده F16 هواپیمای روسیه را هدف قرار داده، کاملاً قابل پیش‌بینی بود. روس‌ها ضمن تایید سرنگونی جنگنده خود و همچنین باخطرناک خواندن اقدام آنکارا ضمن اعلام لغو سفر وزیر خارجه‌شان به ترکیه، تاکید کرده‌اند سرنگونی این هواپیمای ناشی از شلیک زمینی بوده است. هرچند اطلاعات دقیق میدانی تا لحظه نگارش این ویزیه حاصل نشده اما به‌نظر می‌رسد اظهارات روس‌ها در این خصوص به واقعیت نزدیک‌تر باشد. اگر F16 هواپیمای روسی را زده بود، خلبان‌های آن درجا کشته شده و نمی‌توانستند اجکت کنند. به هر حال، هر اتفاقی که افتاده باشد و واکنش روس‌ها هر چه باشد - که به نظر می‌رسد همراه با دوراندیشی و ممانعت از یک درگیری تمام‌عیار نظامی با ترکیه خواهد بود- باید این سوال را مطرح کرد که چرا این زمان برای سرنگونی جنگنده سوخو ۲۴ روسی انتخاب شده است، جنگنده‌ای که قدیمی است و ساقط کردن آن نشان از برتری نظامی ندارد. اصولاً روس‌ها برای این از سوخو ۲۴ استفاده کردند که قرار نبود با شلیک سنگین و قابل توجه پدافند مواجه شوند. برای پاسخ به این سوال، نگارنده معتقد است باید یک روز به عقب بازگشت. برگزاری اجلاس گازی در تهران یک حاشیه مهم‌تر از متن داشت. ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه به تهران می‌آید، از فرودگاه مستقیماً عازم دیدار با رهبر حکیم انقلاب می‌شود، دیداری که ۲ ساعت به طول انجامید و بی‌سابقه بود؛ هم از جهت زمان و هم از جهت تجلیل‌های بیان شده از زبان مقام معظم رهبری خطاب به رئیس‌جمهوری روسیه. رهبری صراحتاً مواضع پوتین طی یک و

نیم سال گذشته را مورد تقدیر قرار دادند و تاکید کردند وی توانسته است سیاست‌های آمریکا را خنثی کند. شاید رهبر انقلاب اسلامی تاکنون درباره هیچ‌یک از سران کشورها چنین سخن نگفته‌بودند. پوتین هم در این دیدار سنگ تمام گذاشت؛ آوردن یک هدیه بزرگ برای رهبر انقلاب که ارزش آن کاملاً معنوی و غیرمادی بود، نشان می‌داد پوتین شناخته و دانسته که به کجا آمده است. «ولادیمیر روس‌ها» که عموماً در تمام جلسات چهره‌ای فوق‌العاده مغرور دارد، در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی چهره‌ای کاملاً صمیمانه داشت و از سوی دیگر جمله‌ای بر زبان آورد که شاید خیلی‌ها دوست نداشتند بشنوند: «به دوستان‌مان از پشت خنجر نمی‌زنیم». جلسه روز دوشنبه کاملاً نشان از آغاز یک اتحاد راهبردی داشت که در صورت تداوم می‌تواند بسیاری از معادلات را به‌نفع تهران و مسکو تغییر دهد. این پیام اصلی این نشست بود. این پیام را بسیاری در ایران و خارج از ایران دریافت کردند، هم آنهایی که سال ۸۸ در پاسخ به شعار مرگ بر آمریکا، شعار مرگ بر روسیه سر دادند و هم آنهایی که در خارج از مرزهای ایران ۵ سال است به‌دنیل کنار زدن متحد ایران و روسیه در سوریه هستند. پیام این سرآغاز، قطعا برای هر دو طیف خطرناک است. درست یک روز پس از این دیدار، جنگنده روس‌ها بر فراز سوریه سرنگون می‌شود. این قطعا پیامی برای روس‌ها دارد: «باید هزینه انتزاف راهبردی با ایران را بپردازید». ترکیه از نظر مجموع توانایی‌ها، بسیار ضعیف‌تر از آن است که اقدامی چنین تحریک‌آمیز علیه قدرت نظامی دوم جهان صورت دهد. بدون شک آتش‌افروزی ترکیه بدون هماهنگی با پایتخت‌های غربی و عربی نبوده است. این پیام، نه پیام آنکارا که پیام واشنگتن، ناتو، ریاض و تل‌آویو برای مسکو بود تا بدانند به کدام وادی پا نهاده است. اکنون باید منتظر پاسخ روس‌ها ماند. اگر روس‌ها در پاسخ به این اقدام، حملات خود را در سوریه محکم‌تر از قبل دنبال کنند، به‌نظر می‌رسد پاسخ نیکویی به پیام خصمانه غرب و ازبغای منطقه‌ای داده‌اند. سلطان نوح‌عثمانی نیز که اکنون احتمالاً به خیال آن است که با زدن یک سوخوی ۲۴ انتقام شکست‌های سلاطین عثمانی از تزارهای روس را گرفته، اندکی باید صبر کند. یقیناً روزی خواهد رسید که در برابر این ضربت، ضربتی نوش کند اما کی و چگونه، هنوز نمی‌توان اظهار نظر دقیقی کرد. پرستیژ پوتین ایجاب می‌کند روزی پاسخ دهد اما در عالم سیاست همیشه صبر لازم است.

دولت بعد از قطعنامه چکار می‌کند؟

آیا دوباره روح توافق آزرده شده است؟

نگاه

امیرعلی جهاندار: روحانی بعد از عقد توافقنامه ژنو آن را «ژانو زدن قدرت‌ها در برابر ایران» نامیده بود و در اولین صحبت‌ش اعلام کرد دیگر دیوار تحریم‌ها ترک برداشته است. طبق توافقنامه ژنو قرار نبود تحریم دیگری علیه ایران اعمال شود؛ این حداقل توافق فی‌مابین، طبق گفته‌های مسؤولان کشور بود اما کمتر از چند هفته بعد از توافق، تحریم‌های مجدد و مکرر هم شروع شد. ظریف در پی انتقاداتی که به بدعهدی طرف مقابل می‌شد به جای ایستادگی در مقابل غربی‌ها به توجیه رفتار آنها پرداخت. وی در پاسخ به سوالات درباره اعمال تحریم‌های بعد از ژنو توسط آمریکا علیه کشورمان اعلام داشته بود: این تحریم‌ها با روح توافقنامه ژنو مغایرت دارد و همین کلام نهایت و بزرگ‌ترین موضع علیه نقدشکنی طرف مقابل در توافق بود. دولت با همه ندهای وارد بر مسیر مذاکرات و نحوه تعاملات غلطی که منجر به یک توافق بد و ضعیف شد؛ برجام را به کشور آورد و برجام مبتنی بر قیودی که مجلس، شورای امنیت ملی و رهبر انقلاب زنده، مصوب و اجرای آن منوط به اجرای اولیه این قیود شد. همچنین برخی شروط نیز درباره ادامه اجرا یا توقف اجرای تعهدات برجام گذاشته شد.

۲ شرط اساسی در نامه رهبر حکیم انقلاب مربوط به تحریم‌ها بود. ایشان فرمودند: «از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرایی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موقوف گردیده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک شود که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی مبنی بر لغو تحریم‌هاست. در اعلام اتحادیه اروپایی و رئیس‌جمهور آمریکا باید تصریح شود که این تحریم‌ها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر اینکه ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به‌منزله نقض برجام است؛ و شرط دوم عبارت بود از «در سراسر دوره ۸ ساله، وضع هرگونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله پهناهای تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های برجام را متوقف کند». این شروط بدین معناست که عدم لغو تحریم‌ها یا اعمال تحریم جدید به هر بهانه‌ای به معنای

تیترا امروز

رئیس‌جمهور عراق، رئیس‌جمهور بولیوی و نخست‌وزیر الجزایر روز گذشته به دیدار رهبر انقلاب رفتند

دیدارهای ضد آمریکایی در تهران

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار فؤاد معصوم، نیاید فضا به‌گونه‌ای شود که آمریکایی‌ها به خود جرأت دهند به‌صورت علنی صحبت از تجزیه عراق کنند



صفحه ۲

نکته

قلم‌های مردم‌شناس!

محمدرضا کردلو

واقعا خاک بر سر ضدانقلابی که ۳۷ سال است هنوز بعضی راه‌های ابتدایی را در تغذیه ضدانقلاب داخلی در پیش می‌گیرد. پول واریز کردن به حساب نویسندگان از همان جنس کارهایی است که اول انقلاب می‌کردند. «خیانت قلم» را امام(ره) تعبیر کرد برای این جماعت. گفت: «یک قلمی است که با صهیونیسم و امثال اینها روابط دارد، یک روزنامه‌ای که با بودجه آنها اداره می‌شود و خودشان تیرازی ندارند تا خود را اداره کنند، ما باید به اینها بگوییم آزاد هستید؟! آزادی قلم است، نه خیانت قلم. آزادی بیان است، نه بیان خائنانه.»

حالا ۳۷ سال گذشته است. این حرف‌ها را امام(ره) درباره قلم‌های ضدانقلاب می‌گفت. قلم‌هایی که بر خلاف مسیر مردم می‌نوشتند. ۳۷ سال گذشته است و هنوز این قلم‌ها پول‌بگیر از اروپای حامی داعش هستند. «یورپون» حقیقتی است درباره این جماعت، حتی اگر در لیست منتشرشده روی اسامی‌شان را قلم بگیرند که آبروی‌شان در پیشگاه ملت نرود، لیکن پول‌ها را گرفته‌اند و آنچه اروپای حامی داعش خواسته نوشته‌اند. حالا اگر برخی در داخل به قلم‌های انقلابی کنایه می‌زنند عیبی ندارد. تحویل بگیرند سیاه‌لشکرهای قلمی مزدور اجنبی‌را!

ملت‌شناسی و «مردم‌شناسی» چه به روز ضدانقلاب که نیارود! رئیس‌جمهور کشور بود. ۱۱ میلیون رأی داشت. از کنگره آمریکا سر درآورد. در استناد لانه جاسوسی می‌خواندم که بنی‌صدر حاضر شده بود در ازای دستمزد ۱۰۰۰ دلار در ماه به عنوان مشاور به سیا خدمت کند. «خاک بر سر ضدانقلاب» تعبیر خیلی عامیانه‌ای است شاید. اما چه بگوییم به این بدبخت‌های فلک‌زده. آنها که مردم را نشاناختند. این مزدورهای داخلی و قلم به مزد‌های داخلی‌شان به طریق اولی «مردم‌شناس» بودند. حالا چه می‌نوشتند؟ معلوم است. زمینه همین قطعنامه‌های حقوق بشری را که علیه ایران صادر می‌شود همین «مزدور»ها فراهم می‌کردند. آزادی نداریم، زندانی سیاسی داریم، حقوق زنان چنین است، حقوق شهروندی چنان است و کلی گزک دیگر که دست ضدانقلاب می‌دادند، مضمون اول و آخر نوشته‌های جماعت قلم به مزد ضدانقلاب است. لکن جای امام(ره) خالی که بگوید: «پنان کسه می‌گویند آزادی نداریم، همین جمله را با کدام آزادی می‌گویند.» ادامه در صفحه ۵